

بسم الله الرحمن الرحيم

قوانین بشری پاکستان را از ظرفیت حقیقی کشاورزی اش محروم کرده است



(ترجمه)

واضحاً که سرزمین‌های اسلامی در زمان تطبیق قوانین الهی از جمله شگفت‌های جهان محسوب می‌شد. زمانی اروپا با قحطی و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کرد، یکی از عوامل کشیدن پای صلیبیون به سرزمین شام، سرمایه‌بی‌کران زراعتی‌اش بود، به اندازه‌ای که صلیبی‌ها فکر می‌کردند به سرزمین شیر و عسل رهسپار می‌شوند. برعلاوه، در عصر تاریک اروپا، زمین‌های زراعتی مسلمانان رابطه مهم برای معرفی محصولات ضروری زراعتی و سیستم مدرن آبیاری به غرب بود. نیم قاره هند تحت حاکمیت اسلام تبدیل به پایگاه زراعتی شده بود که ۲۳ درصد تولیدات ناخالص ملی جهان را تولید می‌کرد و در صادرات محصولات زراعتی شهره عام و خاص شده بود. بناءً بریتانیا به سرمایه وسیع زراعتی آن بخصوص ادویه‌جات غبطه می‌خورد. زمانی که در جریان استعمار بریتانیا قوانین بشری جای قوانین الهی را گرفته بود، همزمان سرزمین‌های هند تحت حکومت راج بریتانیا درگیر قحطی گسترده‌ای شد که به مرگ صدها و هزاران نفر انجامید. تا امروز قوانین بشری بر زمینه زراعتی تطبیق می‌شود و پاکستان را از ظرفیت اصلی‌اش منحصراً نیروگاه زراعتی محروم کرده است. پاکستان با داشتن زمین‌های زراعتی وسیع که اکثراً توسط بزرگ‌ترین دریای جهان به نام سند آبیاری می‌شود، زمین‌های زراعتی قابل کشت در چهار فصل و نیروی زیاد بشری نیمه‌ماهر از نعمت ظرفیت گسترده زراعتی برخوردار است. زراعت منبع عمده رشد و توسعه اقتصاد پاکستان است. منبع

درآمد مردم از همین جا است، مواد خام صنعتی را فراهم می‌کنند و زراعت اساس تجارت خارجی پاکستان را تشکیل می‌دهد. این بخش تقریباً یک چهارم تولیدات ناخالص ملی را شکل می‌دهد و بیش از نصف عواید صادرات را تشکیل می‌دهد، در حدود ۴۵ درصد از نیروی کار در این بخش مصروف اند و تقریباً برای دو سوم جمعیت روستا منبع درآمد است. برعلاوه تهیه مواد اولیه غذایی، زراعت مواد خام کشاورزی و صنعت را فراهم می‌آورد و با صدور اجناس و مواد خام عوایدش را تولید می‌کند. فعلاً پاکستان میلیون‌ها هکتار زمین دست‌نخورده دارد که هنوز کشت نشده است.

این همه دست‌آورد علی‌رغم عدم حمایت دولت از سکتور زراعت صورت گرفته است، دهقانین مجبور اند از روش‌های اولیه زراعتی کار گیرند، چون از یک سلسله مهارت‌های افزایش محصولات محروم اند، از جمله شبکه‌های آبیاری مدرن و قرار گرفتن در معرض امراض و آفات، هم‌چنین عدم کشت زمین‌های زراعتی و احیایی آن‌ها.

با آن هم، رشد زراعت تاثیر کمی بر فقر در مناطق روستایی داشته، و حقیقتاً وضعیت را از این هم دشوارتر کرده است. علی‌رغم چندین دور اصلاح زمین، قوانین بشری باعث شده است سرمایه در نزد چند فرد محدود متمرکز شود، طوری که این پیامد واضح نظام سرمایه‌داری است. میلیون‌ها انسان منبع کافی کسب درآمد را در اختیار ندارند تا نیازهای اساسی زندگی‌شان را برآورده کنند و در میان این همه فراوانی، مردم روستانشین پاکستان نمونه واقعی فقر و گرسنگی هستند. به همین سبب، فعالیت‌هایی غیرکشاورزی به منبع عمده درآمد خانواده‌های زراعت‌پیشه تبدیل شده است، به خصوص آن‌هایی که دارای زمین زراعتی کم هستند و یا هیچ زمین زراعتی ندارند. انبوهی از مردم روستا وادار می‌شوند روستاهای‌شان را ترک کنند و در پی جستجو معیشت به شهرها سرازیر شوند، و این فقط به خواب شدن‌شان در خیابان‌های منجمد و یا در صف‌های طولانی منتظر کارهای شاقه با معاش اندک می‌ایستند. تسهیلات قرضه‌های زراعتی در پاکستان به این مشکل افزوده است. فیصدی سود قرضه‌های بسیار بلند است، نه سر وقت فراهم می‌شود و نه هم تقاضا به قرضه‌ها را کاملاً برآورده کرده می‌توانند. دهاقین هم مجبور اند تا از منابع غیررسمی سود با درصد بسیار بالا را قرض بگیرند. سخن بسیار مشهوری درباره دهقانان در جامعه عام است این‌که: «دهقان قرض‌دار تولد می‌شود، قرض‌دار بزرگ می‌شود و قرض‌دار فوت می‌کند.»

قوانین بشری نه تنها باعث عدم بازدهی زراعتی و فقر روستایی شده، بلکه آن را عمیق‌تر کرده است

بعد از الغای قوانین شریعت، سرمایه‌داری مالکیت زمین را به چند نفر انگشت‌شمار محدود کرده است. اگرچه بریتانیا رفت، ولی سرمایه‌داری را به میراث گذاشت و این محدودیت هم‌چنین

ادامه پیدا کرد تا به خصیصه نافذ زراعت پاکستان مبدل شد. تعداد کمی از خانواده‌های روستایی مالک بیش از نیم تمام زمین‌های زراعتی اند، حال آن‌که بیشتر از نصف خانواده‌های روستائین از داشتن زمین زراعتی کاملاً محروم اند. کارگران محروم زمین را زرع می‌کنند و سپس باید اجاره‌اش را به مالک زمین بپردازند، هم‌چنین اکثریت مالکین به صاحبان غایب تبدیل شده‌اند که از اجاره این زمین‌ها امرار معیشت می‌کنند. بناءً آنانی که عملاً دست به کشت زمین می‌زنند درآمد اندکی عایدشان می‌شود، درحالی‌که مالکان زمین بیش‌ترین سود را می‌برند. انقلاب دهه ۱۹۶۰ اوضاع را بدتر کرد، قشر نخبه را اجازه داد تا زمین‌های اجاره را پس بگیرند و زمین‌ها را از تصرف مستأجران قبلی خارج کنند. این اقدام منجر به افزایش فقر در روستاها شد و به طغیان مهاجرت‌های کارگران روستایی در پی جستجوی آتشی من حیث بدیل برای امرار معاش به شهرها انجامید و آنچه از کارگران مهاجر روستا و مالکان غایب به‌جا ماند چیزی جز بی‌بهره‌گی فاحش از زمین‌های فراوان زراعتی پاکستان نبود.

در دموکراسی فرق نمی‌کند چه کسی به قدرت دست می‌یابد. قوانین کفری استعمارگرانی که در طی آن تطبیق می‌شود وضعیت مسلمانان را از بد بدتر می‌کند، چون دموکراسی به قوانین الهی اسلام پایبند نیست. بناءً، نخست دولت بی‌نظیر بوتو کشاورزی تعاونی را در اواخر دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک صنعت معرفی، و ۱۹ کمپنی چندین ملیتی را برایش تأیید کرد. در بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ زمانی که دولت مشرف پالیسی کشاورزی تعاونی و فرمان کشاورزی تعاونی را تصویب کرد، افزایش بزرگی را در چارچوب این سیاست به وجود آمد که زمینه‌سازی قانونی جهت کاهش مالیات برای سرمایه‌گذاران خارجی بالقوه را به همراه داشت. بسته پالیسی ۲۰۰۹ که توسط دولت کیانی - زرداری اعلام شد، مشوق‌های رقابتی را در بخش زراعت به سرمایه‌گذاران خارجی با همراهی واگذاری زمین‌های زراعتی گسترده‌ای فراهم می‌کرد، که در زمان دولت راحیل - نواز هم ادامه داشت.

چنین پالیسی‌ها زیر حاکمیت این حکام، بیکاری فزاینده، مشقت و عدم بهره‌وری را به ارمغان می‌آورد. درحالی‌که کشاورزان داخلی در زیر مالیات سنگین بر منابع زراعتی از قبیل کود کیمیاوی، تخم زراعتی، ماشین‌آلات، ترانسپورت و مواد سوخت خرد می‌شوند، شرکت‌های خارجی از برخورد ترجیحی در ارتباط به مالکیت زمین، واردات ماشین‌آلات و تجهیزات، و هم‌چنان برگشت سود پس به دولت‌های خارجی خودشان لذت می‌برند. اگرچه شرکت‌های خارجی به عوض این‌که درباره محصولات غذایی که برای مصونیت غذایی پاکستان لازم است نگران باشند، از محصولات تجارتنی که در اقتصادشان کارآمد است مستفید می‌شوند. بناءً در نتیجه تطبیق سیاست‌های استعمارگران، دموکراسی از غصب ظرفیت داخلی زراعت پاکستان توسط شرکت‌های خارجی ضمانت می‌کند و

توانایی پاکستان برای فراهم‌آوری غذا و البسه را تضعیف می‌کند و اکثراً باعث وابستگی به واردات گزاف از خارج می‌شود.

به حد اکثر رساندن کشت و تأمین رفاه روستایی با حفظ امنیت غذایی

بازگشت خلافت باعث افزایش تولیدات زراعتی و کارزایی روستایی می‌شود. بناءً این امر امنیت و رفاه غذایی پاکستان را با بازگردادن اسلام و قوانین‌اش به شبه‌قاره هند افزایش می‌دهد. اسلام مسئله مالکیت زمین را به شکلی بی‌نظیر به کشت‌اش پیوند می‌دهد. بناءً بی‌تفاوتی از این‌که یک شخص صاحب زمین‌های زیاد یا کم باشد، مجبور است شخصاً از عهده کشت‌اش برآید. و دولت نیز مالکین را در امر زراعت از طریق قرضه‌ها/وام‌های بدون سود کم مالی می‌کند.

حزب‌التحریر در ماده ۱۳۶ مقدمه قانون اساسی خود چنین استنباط کرده‌است: «هرکسی که زمین دارد مجبور است از آن استفاده کند، و دولت به کسانی که نیاز به کمک مالی دارند از بیت‌المال پول می‌دهد تا آنان را در بهره‌گیری از زمین‌شان یاری رساند. اگر کسی طی سه سال پیاپی از زمین خود استفاده نکند، زمین‌اش از وی گرفته و به شخص دیگری داده خواهد شد.»

اگر صاحب زمین نخواهد یا نتواند زمین زراعتی‌اش را باوجود ارائه کمک مالی کشت کند، اجازه ندارد شخص دیگری را برای کشت آن استخدام کند.

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«أَزْرَعَهَا أَوْ أَمْنَحَهَا أَذَاكَ» (النسائی)

ترجمه: *یا آن را کشت کن یا به برادرت بده!*

حزب‌التحریر در ماده ۱۳۵ مقدمه قانون اساسی خود چنین استنباط کرده‌است: «اجاره زمین برای زراعت، بی‌تفاوتی از این‌که زمین مذکور خراجی باشد یا عشری، کاملاً جایز است. برعکس، اجاره موقتی جواز ندارد. مساقات (اجاره درختان به عوض بخشی از حاصلات‌شان) بدون هیچ‌گونه قیودات جایز است.»

اسلام احیای زمین‌های زراعتی بدون کشت را با اعطای مالکیت‌شان به کسی که زمین مرده را به حاصل می‌رساند تشویق می‌کند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ» [ترمذی]

ترجمه: *هرکس زمین مرده‌ای را زنده کند، صاحب‌اش است.*

بناءً حزب التحرير در ماده ۱۳۴ قانون اساسی خود چنین استنباط کرده است: «مالکیت زمین مرده با احیا و حصارکشی اش تعیین می شود.»

خلافت مالکیت بیگانه‌گان بر زمین‌های زراعتی را از بین می‌برد. به علاوه، خلافت دهاقین را از بار هزینه‌های سنگین مالیاتی بر تولیدات زراعتی با از سرگیری محض نظام عایداتی شریعت، یعنی خراج و عشر، آزاد خواهد کرد. این امر منجر به رشد سریع امنیت غذایی و رفاه داخلی می‌شود که امت قرن‌ها زیر حاکمیت اسلام از آن لذت می‌برد. بنابراین، خلافت امروزه به محصولاتی اولویت می‌دهد که نیازهای اولیه شهروندان اش از جمله خوراک و پوشاک را کاملاً تأمین کند و تولیدات اضافی را برای تجارت خارجی و ایجاد رابطه با سایر ملل به منظور حمل دعوت اسلام برای‌شان به کار می‌برد. این امر به نوبه خود باعث ایجاد برنامه‌های به حمایت مالی دولت به منظور رشد سطوح زراعتی به معیاراتی می‌شود که جهان را رهبری می‌کند، از جمله آبیاری، کوددهی، سم‌زدایی، اصلاح زمین‌های قابل زرع و پیشرفت‌های جدید مانند سوخت‌های زیستی می‌شود. دولت مذکور چراگاه‌های بزرگی را به منظور حمایت از حیات چهارپایان ایجاد خواهد کرد.

حزب التحرير در ماده ۱۶۵ قانون اساسی خود چنین استنباط کرده است: «انکشاف و سرمایه‌گذاری سرمایه‌های خارجی در داخل دولت حرام است. هم‌چنین امتیازدهی به خارجی‌ان جائز نمی‌باشد.»

حزب التحرير در ماده ۱۳۳ مقدمه قانون اساسی خود چنین استنباط کرده است: «زمین‌های عشری شامل زمین‌های شبه‌جزیره عربستان و زمین‌های زمین‌دارانی می‌شود که قبل از فتح آن مناطق توسط دولت اسلامی از طریق جهاد، مالک آن زمین‌ها بودند. زمین‌های خراجی تماماً شامل زمین‌هایی غیر از شبه‌جزیره عربستان می‌شود که از طریق جهاد، خواه توسط جنگ یا معاهدات صلح، فتح شدند. زمین‌های عشری و محصولات اش هر دو تحت مالکیت افراد است، حال آن‌که زمین‌های خراجی از مالکیت دولت، ولی منافع اش از مالکیت افراد می‌باشد. هر فردی حق دارد زمین‌های عشری و منافع زمین‌های خراجی را از طریق قراردادهای شرعی تبادل کند. همه مردم می‌توانند آن‌ها را به مانند سایر دارایی‌های‌شان به میراث ببرند.»

حزب التحرير – ولایه پاکستان

۱۴ رمضان ۱۴۴۳ ه.ق.

جمعه، ۱۵ اپریل/آوریل ۲۰۲۲ م.

مترجم: دانیال نور